

تحلیل انتقادی گفتمان مناجات شعبانیه امام علی علیه السلام بر اساس الگوی نورمن فرکلاف

پریسا کاظمی^۱
حسین چراغی وش^۲
امیرمقدم متقی^۳
مریم جلیلیان^۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۲/۰۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۴/۱۰

چکیده

گفتمان انتقادی نوعی روند تکوینی تحلیل گفتمان است که در آن با عبور از سطح توصیف گفتمان، به چرایی تولید متن توجه می‌شود. از همین رو، در پژوهش حاضر با رویکرد توصیفی-تحلیلی بر اساس الگوی تحلیل گفتمان انتقادی نورمن فرکلاف تلاش می‌شود به گفتمان‌کاوی انتقادی مناجات شعبانیه امام علی علیه السلام در سه سطح توصیف، تفسیر و تبیین پرداخته شود و ضمن بررسی جنبه‌های ادبی مناجات، گفتمان‌های غالب و پوشیده متن را - که کمتر به آن‌ها توجه شده - مورد تحلیل قرار دهد. در سطح توصیف در جملات با وجوه خبری، با قطع و یقین به بیان موقعیت گفتمانی پرداخته که بیان‌گر میزان تعهد نویسنده به گزاره‌هاست و این متن به عنوان ابزاری قاطع برای ارسال پیام است. در بعضی عبارات، قصد نویسنده برای انگیزش مخاطب نیست، بلکه نوعی انتظار، حسرت و اندوه را نشان می‌دهد. این پژوهش سعی دارد به این دو پرسش پاسخ دهد که مهم‌ترین موضوعات مطرح شده در مناجات شعبانیه، بر اساس نظریه نورمن فرکلاف کدام‌اند و امام علیه السلام چگونه توانسته است با استفاده از کلمات، این موضوعات را منتقل کند؟ نتایج این تحقیق گویای این است که ایدئولوژی غالب در گفتمان، در موضوع امر به معروف و نهی از منکر، سازندگی و

۱. دانشجوی دکتری دانشگاه لرستان و عضو هیأت علمی دانشگاه پیام نور خرم آباد (Kazemi.pa@fh.lu.ac.ir).

۲. استادیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشکده علوم انسانی دانشکده بوعلی سینا همدان (نویسنده مسئول).

h.cheraghivash@buas.ac.ir

۳. دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد (a.moghaddam@ferdowsi.um.ac.ir).

۴. استادیار دانشگاه لرستان (Jalilian.ma@lu.ac.ir).

تربیت فرد و جامعه، خداشناسی و تنویر افکار عمومی و هدایت به سوی خداوند و توسل به درگاه الهی خلاصه شده است. براین اساس، واژگان برای انتقال معنایی متناسب با این ایدئولوژی‌ها انتخاب شده است و نویسنده از گفتمان وجوه افعال به طور یکسان استفاده نمی‌کند، بلکه وجوه سه‌گانه اخباری، پرسشی و امری را بر حسب ضرورت و قصد و نیت خود به کار گرفته است.

کلیدواژه‌ها: گفتمان انتقادی، مناجات شعبانیه، امام علی علیه السلام، نورمن فرکلاف.

۱. مقدمه

یکی از مهم‌ترین و کاربردی‌ترین انواع تحلیل گفتمان، تحلیل گفتمان انتقادی است و یکی از زمینه‌های مناسب برای تحلیل گفتمان انتقادی، نثر ادبی و دینی است. در میان آثار ارزنده معصومان علیهم السلام، میراث امام علی علیه السلام از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. از میان آن‌ها، دعاها و مناجات‌های آن حضرت به خاطر ارتباط ایشان با منبع وحی الهی و همه جانبه بودن آن جایگاه مهمی دارد. ادعیه - که گفتمان دوسویه‌ای میان خداوند متعال و انسان است - دارای مفاهیم و ساختار جالب توجهی است. به عبارتی، دعا کنشی زبانی است که از نظام دوسویه تبعیت می‌کند و این نظام شامل فرستنده و گیرنده است. فرستنده، متن خویش را خطاب به خداوند - که در واقع گیرنده همان متن است - می‌خواند و او را حاضر می‌بیند. در این کنش زبانی، نوعی داد و ستد دوطرفه دیده می‌شود که انسان فرستنده و خداوند گیرنده است. از جمله این ادعیه مناجات شعبانیه است که تابلویی تمام‌نما از مناجات علی علیه السلام با خالق بی‌همتا است. نورمن فرکلاف در رویکرد گفتمان انتقادی خویش - که مبنای تحلیل ماست - از نظریات تعدادی از نظریه‌پردازان انتقادی - اجتماعی، چون مفهوم نظم گفتمان فوکو و گرامشی استفاده کرده است که در تبیین و کشف دیدگاه‌های ایدئولوژیک هژمونی نویسندگان بسیار کارآمد است. از نظراو، تحلیل گفتمان به سه سطح تقسیم می‌شود: سطح اول، توصیف: گفتمان به مثابه متن (شامل تحلیل زبانی در قالب واژگان، دستور، نظام آوایی و انسجام در سطح بالاتر از جمله)؛ سطح دوم، تفسیر: گفتمان به مثابه تعامل بین فرایند تولید و تفسیر متن و سطح سوم، تبیین: که به رابطه بین تعامل و بستراجتماعی و تبیین اجتماعی فرایندهای تولید، تفسیر آن‌ها مرتبط است.^۱

نکته قابل ملاحظه در این گونه از مقالات و پژوهش‌ها این است که با توجه به این که متن

۱. تحلیل انتقادی گفتمان، ص ۲۴۵.

ادعیه و روایات یک متن متواتر لفظی و قطعی نیست (یعنی تمام واژگان عیناً از زبان معصوم نیست و قطعاً نقل به معنا در آن زیاد اتفاق افتاده است)، لذا تحلیل تک تک واژگان آن هم به شیوه تحلیل گفتمان (از جنس متن، بافت و...)، دشوار است. در واقع، ممکن است اشکال گرفته شود که در متن‌های روایی نمی‌توان، مانند قرآن یا متن‌هایی که دقیقاً عین الفاظ و عبارات منتقل شده‌اند، تحلیل‌های این چنینی ارائه داد؛ اما از آنجاکه ادعیه دینی به عنوان محوری برای پیوند میان ابعاد مختلف دینداری اجتماعی است و به عبارتی، کنش اجتماعی دعا باعث تقویت باورهای دینی و نوعی تجربه دینداری نو و روزمره است که باعث تقویت اخلاق دینی و نیز باعث افزایش احساس آرامش، احساس حرمت فرد و رشد و تعالی او می‌شود. و نیز از نظر ارزش والای ادبی این متون، بررسی آن از منظر تحلیل گفتمان امری ضروری و مفید به نظر می‌رسد.

نظربه اهمیت جایگاه این دعا، بررسی و نقد آن هم از زوایای مختلف دارای اهمیت است. متن مورد اشاره دارای عناصر منحصر به فرد جهت ارائه آن در بوته نقد از منظر گفتمان انتقادی است، و از انواع الگوهای موجود در این زمینه، با الگوی نورمن فرکلاف سازگارتر است.

این پژوهش با رویکردی توصیفی - تحلیلی، مبحث زبان‌شناسی مناجات را در چارچوب تحلیل گفتمان انتقادی نورمن فرکلاف مورد بررسی قرار می‌دهد و رابطه قدرت، ایدئولوژی و گفتمان را در آن آشکار می‌نماید. پژوهش حاضر در صدد پاسخ به این پرسش‌ها است که مهم‌ترین موضوعات مطرح شده در مناجات شعبانیه بر اساس نظریه نورمن فرکلاف کدام‌اند و ایدئولوژی امام در دعا چیست؟

۱-۱. پیشینه پژوهش

درباره تحلیل گفتمان و الگوهای آن پژوهش‌های متعددی انجام شده است. از جمله مقاله «تحلیل گفتمان انتقادی و ادبیات» از فردوس آقاگل‌زاده، مجله ادب پژوهی، ۱۳۸۶. در این مقاله، نویسنده تلاش نموده تا الگوهای تحلیل زبان‌شناسان انتقادی را برای تحلیل، تفسیر و نقد متون ادبی تبیین کند. مقاله «بررسی گفتمان انتقادی در نهج البلاغه بر اساس نظریه فرکلاف (مطالعه موردی: توصیف کوفیان)»، اثر علی‌اکبر محسنی و نورالدین پروین، پژوهش‌نامه علوی، ۱۳۹۴. نویسندگان این مقاله تلاش کرده‌اند تا بر اساس گفتمان مذکور، چگونگی تعامل زبانی خطبه‌های امام علی (ع) با اوضاع خفقان‌آمیز مسلط بر زمان را که

کوفیان بر آن دامن زده بودند، مورد بررسی قرار دهند. مقالاتی که از جنبه تحلیلی در مناجات شعبانیه نگاشته شده، به شرح ذیل است: پژوهشی با عنوان «شرح واره‌ای بر خطبه شعبانیه نبویه علیه السلام»، اثر محمود جوهری، در مجله گلستان قرآن، شماره ۴۴، ص ۲۷ - ۲۹ در سال (۱۳۷۹)، انتشار یافت. نویسنده در این پژوهش، بر شرحی از خطبه شعبانیه اشاره دارد و به بیان ویژگی‌ها و فضایل ماه مبارک، بیان منزلت امام علی علیه السلام و بیان آداب و وظایف عبادی در این ماه می‌پردازد. مقاله‌ای با عنوان «تأثیرپذیری مناجات شعبانیه از قرآن کریم»، آمنه فصیحی و الهام آباد، پژوهش نامه زبان عربی، ۱۴۰۰ به تأثیرپذیری امام علیه السلام از قرآن هم در سطح آیات و هم در سطح معانی اشاره می‌کند. بر اساس جستجوهای صورت پذیرفته در پایگاه‌های اینترنتی تاکنون پژوهش مستقلی با موضوع تحلیل گفتمان مناجات شعبانیه امام علی علیه السلام انجام نشده است. از این رو، پژوهش حاضر بر اساس الگوی تحلیلی گفتمان انتقادی فرکلاف و در سه سطح توصیف، تفسیر و تبیین، مناجات شعبانیه را مورد ارزیابی قرار می‌دهد.

۲. مباحث نظری (مناجات شعبانیه و الگوی تحلیلی انتقادی نورمن فرکلاف)

نظریه گفتمان انتقادی فرکلاف، یک نظریه تحلیلی متن بنیاد است که هم به مسائل زبانی و هم مسائل اجتماعی توجه دارد. فرکلاف در الگوی تحلیلی خود سه کارکرد توصیف (پرکتیس متنی)، تفسیر (پرکتیس گفتمانی) و تبیین (پرکتیس اجتماعی) را برای تحلیل متن پیشنهاد می‌دهد تا از این طریق ایدئولوژی نهفته در لایه‌های زیرین متن را کشف و بررسی کند.^۱ باید توجه داشت که «ایدئولوژی نظام باورها و مقولاتی است که شخص یا جامعه با ارجاع به آن‌ها جهان را درک می‌کند و این زبان است که نقش تعیین‌کننده و حیاتی در تثبیت، بازتولید و تفسیر ایدئولوژی ایفا می‌کند. به دیگر سخن، منظور از ایدئولوژی، مجموعه ارزش‌ها یا نظام اعتقادی است که زبان متن منتقل می‌کند».^۲ در بخش توصیف «متن بر اساس مشخصه‌های زبان شناختی، اعم از آواشناسی، واج‌شناسی، نحو، ساخت واژه یا صرف و معناشناسی و تا حدودی کاربردشناسی مورد توصیف و تحلیل واقع می‌شوند. در سطح تفسیر متن بر مبنای آنچه که در سطح توصیف بیان شده، با در نظر گرفتن بافت

۱. «گفتمان انتقادی، رویکرد نورمن فرکلاف»، ص ۳.

۲. «تحلیل گفتمان انتقادی و ادبیات»، ص ۸.

موقعیت و مفاهیم و راهبردهای کاربردشناسی زبان و عوامل بینامتنی می‌پردازد. در سطح سوم، یعنی سطح تبیین، به توضیح چرایی تولید چنین متنی از میان امکانات مجاز موجود در آن زبان برای تولید متن در ارتباط با عوامل جامعه‌شناختی، تاریخی، گفتمان، ایدئولوژی و قدرت و قراردادها و دانش فرهنگی اجتماعی می‌پردازد.^۱ فرکلاف بر این نظریه تأکید دارد که هیچ متنی نمی‌تواند بدون این که از مسائل سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جامعه تأثیر بگیرد، ساخته و تولید شود. نظریه وی بر بنیاد جامعه‌شناختی تحلیل گفتمان استوار است.^۲ در این بخش، مناجات شعبانیه امام علی علیه السلام در سطوح مختلف الگوی گفتمان فرکلاف مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد.

۲-۱. سطح توصیف

توصیف به عنوان پیش‌نیاز تفسیر و تبیین، جایگاه ویژه‌ای در بررسی‌های انتقادی فرکلاف دارد. در این سطح از گفتمان، سعی می‌شود تا ویژگی‌های زبانی متن بدون در نظر گرفتن ارتباط متن با سایر متن‌ها مورد بررسی قرار گیرند و از این طریق، ایدئولوژی‌های پنهان در متن مشخص شوند. تحلیل‌گر گفتمان در سطح توصیف از زوایای مختلف متن را تحلیل می‌کند و رابطه صورت، معنا، دستور و با هم‌آیی واژگان را می‌کاود. در این سطح واژگان، ساختارهای نحوی و متن بر اساس سؤالات فرکلاف مورد بررسی قرار خواهد گرفت؛ از جمله: نوع روابط معنایی، جنبه استعاری واژگان و نحوه کاربرد ضمائر چگونه است؟ جملات بیشتر مثبت هستند یا منفی؟ معلوم‌اند یا مجهول؟ از کدام وجه جمله استفاده شده است؟ خبری، دستوری و یا پرسشی؟ و نوع گفتگوها و لحن آن‌ها چگونه است؟^۳

۲-۱-۱. بررسی لایه‌های واژگانی

از مهم‌ترین بخش‌های تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف، بررسی لایه‌های واژگانی است. توجه به واژه‌های هر متن، نحوه گزینش آن‌ها، بار عاطفی و روان‌شناسی آن‌ها، و هم‌نشینی آن‌ها برای ساختن ترکیباتی با معنای ایدئولوژیک و هدف‌دار از ویژگی‌های زبانی مهم هر عبارت یا جمله در بررسی تحلیل گفتمان انتقادی است. «در این بخش از تحلیل زبان، برقراری رابطه میان اجزای جمله، از اهمیت زیادی برخوردار است؛ برای این که معنای خاصی را

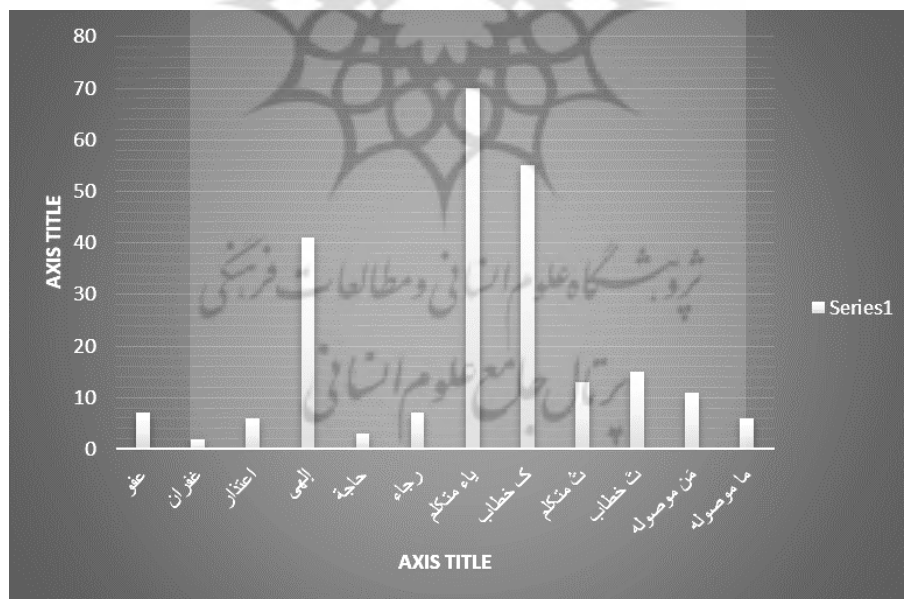
۱. تحلیل انتقادی گفتمان، ص ۹۱-۱۱۷.

۲. «نگاهی انتقادی بر نفیة المصدر از منظر تحلیل گفتمان نورمن فرکلاف»، ص ۳.

۳. تحلیل انتقادی گفتمان، ص ۱۷۰.

انتقال می دهد»^۱، در این حالت، ابتدا سعی می شود واژگان به کار رفته در متن مورد نظر بررسی شده و سپس عبارات و جملات برآمده از ترکیب این واژه ها، برای کشف معنای پنهان متن مورد ارزیابی قرار گیرد.

ایدئولوژی غالب در گفتمان مناجات شعبانیه امام علی علیه السلام در موضوع امر به معروف و نهی از منکر، سازندگی و تربیت فرد و جامعه، خداشناسی و تنویر افکار عمومی و هدایت به سوی خداوند و توسل به درگاه الهی خلاصه شده است. بر این اساس، بیشترین حجم واژگان برای انتقال معنایی متناسب با این ایدئولوژی ها انتخاب شده است؛ به این صورت که با توجه به دعایی بودن متن گفتمان، واژه های پرکاربرد متن عبارت اند از: غفران، عفو، عذر، رجا، الذنوب، جاحه، حرما، غضب، سخط، حیاة، ممات، فضل، خبیبه و واژه الهی که بیان گرمیزان توسل بنده به درگاه احدیت است و به تناوب در متن مناجات تکرار می شود. بسامد بالای این واژگان ایدئولوژی توحیدی امام علیه السلام را بیان می کند. نمودار واژگان پربسامد در این مناجات به صورت زیر است:



۱. گفتمان زنانه: روند تکوین گفتمان زنانه در آثار نویسندگان زن ایرانی، ص ۵۲.

امام علیه السلام با تکرار ۴۱ باره واژه «الهی»، از خداوند درخواست می‌کند او را مورد لطف خود قرار دهد. ایشان در مقام تضرع و تذلل در برابر معبود برآمده و به اظهار عجز و ناتوانی در برابر ذات اقدس الهی می‌پردازد که این منظور، از شاخص‌های زبانی «متضرعاً و مستکیناً» نمایان است. حضرت با زبان استرحام - که بر پایه عجز و ناتوانی و فقر و نیاز شدید او به خداوند است - با خداوند سخن می‌گوید. ایشان با دقت و آگاهانه این واژه‌ها را با هم، هم‌نشین ساخته و با تناسب لفظی موجود در متن، معنای آن را به صورتی مؤثرتر به مخاطب منتقل می‌کند. آنچه همه این مباحث را به هم مرتبط می‌کند، محوریت و فاعلیت لفظ جلاله (الهی) است که با تکرار در همه بخش‌ها به عنوان حلقه وصل عمل می‌کند.

گزینش واژگان «نفسی، حاجتی، ضمیری، منقلبی، منطقی و طلبتی» در بندهای «و تعلم ما فی نفسی وَ تَخْبُرُ حَاجَتِی تَعْرِفُ ضَمِیرِی وَ لَا یَخْفَى عَلَیْکَ أَمْرٌ مُنْقَلَبِی وَ مَثْوَایَ وَ أَرِیدُ بِهِ مِنْ مَنطِقِی وَ أَرِیدُ بِهِ وَ مَا أَنْفَوْهُ بِهِ مِنْ طَلَبِی» - که هم تناسب لفظی دارند و هم تناسب معنایی - ترکیبات زیبایی ساخته شده است که به صورت آگاهانه و ایدئولوژیک در کنار هم قرار گرفته‌اند. این واژگان با هم نشینی در کنار هم، تصویری ساخته‌اند که بیان‌گر عجز و ناتوانی انسان در برابر قدرت خداوند است.

لایه‌های واژگانی از چند جهت قابل بررسی است:

۱-۲-۱. جنبه استعاری

امام علیه السلام با بهره‌گیری از استعاره (۲۲ بار)، هویت ایدئولوژیک معناداری به ادعیه خویش در تبیین اوضاع سیاسی و اجتماعی آن روزگار بخشیده است که به نمونه‌ای از آن اشاره می‌کنیم؛

وَ قَدْ جَرَّتْ مَقَادِیرُکَ عَلَی.

مقادیر به آب تشبیه شده است که در کلام حذف شده است و از لوازم آن جرت - که قرینه است - ذکر شده است؛ اما اجرای استعاره در جرت به این‌گونه است که نازل شدن مقادیر به جری تشبیه شده است و جری وهمی به جری حقیقی تشبیه شده است و این یک استعاره تخیلیه است؛ چون قرینه استعاره مکنیه استعاره تخیلیه است. مقصود از استعاره تخیلیه این است که معنای مشترک در مشبه و مشبه‌به یا یکی از آن دو، یافت نشود؛ مگر به شیوه پندارگرایی و خیال‌آفرینی.^۱ به عبارتی یک شیء وهمی و خیالی به یک شیء واقعی

۱. کرانه‌ها، ج ۳، ص ۷۳.

تشبیه شده است. کلام امام علیه السلام به این نکته اشاره می‌کند که مقدرات انسان چون آب همواره در جریان است و انقطاع ندارد.

هَبْ لِي قَلْبًا يُدْنِيهِ مِنْكَ شَوْقُهُ، وَلِسَانًا يُرْفَعُ إِلَيْكَ صِدْقُهُ، وَنَظْرًا يُقَرِّبُهُ مِنْكَ حَقُّهُ.

شوق یدنیه، صدق یرفع و حق یرقبه. شوق و صدق و حق به انسانی تشبیه شده‌اند که نزدیک شدن، رفعت و نزدیک کردن جز اعمال اوست و انسان که مشبه به تشبیه است حذف شده و به یکی از لوازم آن اشاره شده است. قرینه‌های آن‌ها به ترتیب «یدنیه، یرفع و یقرب است به شیوه استعاره مکنیه اصلیه.

۲-۱-۲- وجه افعال

یکی دیگر از حوزه‌های توصیف، استفاده از شکل خاصی از افعال و تکرار مداوم آن در کل متن است. وجه افعال، درجه تعهد و الزام انسان به حقیقت گزاره‌هایی است که بر زبان جاری می‌کند. با توجه به بررسی‌های صورت گرفته در متن مناجات، بیشترین کاربرد در زمینه وجه افعال، از نوع جملات فعلیه و در قالب فعل ماضی ساده و مضارع اخباری است. وجه اخباری برای «بیان عملی که هم‌اکنون در حال انجام گرفتن است یا جنبه عادت، استمرار و تکرار دارد، به کار می‌رود. وقایع و رویدادها و آنچه در زمان حال اتفاق می‌افتد با این زمان بیان می‌شود و نیز برای بیان حقایق مسلم و برای بیان آینده کاربرد دارد»^۱. نمودار استفاده از وجوه افعال در متن مناجات به صورت زیر است:



وَأَقْبِلْ عَلَيَّ إِذَا نَجَّيْتُكَ، فَقَدْ هَرَبْتُ إِلَيْكَ، وَوَقَفْتُ بَيْنَ يَدَيْكَ، مُسْتَكِينًا لَكَ، مُتَضَرِّعًا إِلَيْكَ، رَاجِيًا لِمَا لَدَيْكَ تَوَائِبِي، وَتَعْلَمُ مَا فِي نَفْسِي، وَتَخْبِرُ حَاجَتِي، وَتَعْرِفُ ضَمِيرِي، وَلَا يَخْفَى عَلَيْكَ أَمْرٌ مُنْقَلَبِي وَمُتَوَائِي، وَمَا أُرِيدُ أَنْ أُبَدِيَ بِهِ مِنْ مَنْطِقٍ وَآتْفُوهُ بِهِ مِنْ طَلِبَتِي، وَأَرْجُوهُ لِعَاقِبَتِي، وَقَدْ جَرْتُ مَقَادِيرَكَ عَلَيَّ يَا سَيِّدِي، فِيمَا يَكُونُ مِنِّي إِلَى آخِرِ عُمْرِي.

به کارگیری فعل های «ناجیتک، وقتت، هربت، تعلم، تخبر، تعرف، لایخفی، آرید، ابدی، آتفوه، أرجوه و جرت» که در وجه اخباری و در صیغه های ماضی ساده و مضارع اخباری به کار رفته اند، بیان گر آن است که امام در مقام فاعل و جایگاه اطلاع دهنده است و از مناجات به عنوان ابزاری قاطع برای آگاهی مخاطب استفاده کرده است که به گونه ای بازنمایی ایدئولوژیک نویسنده است و تضرع خود را جهت برجسته سازی و بزرگ نمایی درد و رنج خود بیان می کند. «بسامد بالای استفاده از وجه اخباری، قطعیت متن را بالا می برد و بیان گر میزان پایبندی نویسنده به حقیقت گزاره هاست».^۱

و نیز معنای تجدد و استمرار در فعل مضارع نشان دهنده این است که سقوط انسان در اثر ارتکاب گناهان و غفلت از یاد خدا در هر زمان و مکان به صورت تازه جلوه می شود و جامعه را تهدید می کند.

امام علیه السلام علاوه بر استفاده فراوان از جملات فعلیه، ایدئولوژی توحیدی خود را با جملات اسمیه نیز بیان می کند که بار تأکیدی آن ها بیشتر از جملات فعلیه است و ثبوت و دوام را می رساند:

أَنَا عَبْدُكَ وَإِبْنُ عَبْدِكَ فَأَنْتُمْ بَيْنَ يَدَيْكَ مُتَوَسِّلٌ بَكَرَمِكَ إِلَيْكَ.

بیشتر جملات به کار رفته در این دعا به صورت مثبت است، ولی کاربرد جملات منفی نیز از بسامد بالایی برخوردار است و مربوط به گفتمان هایی است که بین خداوند متعال و امام علیه السلام جریان داشته و برای استعطاف و تضرع به درگاه خداوند متعال بوده است. از جمله:

إِلَهِي لَا تُرِدْ حَاجَتِي، وَلَا تُخَيِّبْ ظَمْعِي، وَلَا تَقْطَعْ رَجَائِي وَأَمَلِي.

۲-۱-۲-۳. استفهام

استفهام به عنوان یکی از مؤلفه های گفتمان فرکلاف است؛ بدین طریق که آفریدگان انواع ادبی عبارات و جملاتی را به عنوان پرسش در کلام خود به کار گرفته تا برای مخاطب دارای

۱. سبک شناسی انتقادی، ص ۱۵۱.

جذابیت و به عنوان تأکید مطرح شود، تا پیام را به آن‌ها ارسال کند؛ اما در کلام پرسشی انکاری مخاطب با کلام مثبت مواجه می‌شود که پاسخ به آن به صورت منفی بوده و غرض پیونده از طرح آن، تکذیب و انکار بوده است.

إلهی کَیْفَ آئِسْ مِنْ حُسْنِ نَظَرِکَ لِی بَعْدَ مَمَاتِی، وَأَنْتَ لَمْ تُؤَلِّیْ إِلَّا الْحَمِیْلُ فِی حِیَوَتِی.

استفهام در این بند برای بیان انکار از مایوس شدن از رحمت و لطف خداوند بیان شده است. وجه پرسشی و کارکرد گفتمانی آن نشان می‌دهد که نویسنده فرصت پرسش و پاسخ را الزامی برای خود دانسته تا از طریق آن مخاطب را مجاب به تفکر کند.

إلهی کَیْفَ أَنْقَلِبُ مِنْ عِنْدِکَ بِالْحَیْبَةِ مَحْرُومًا، وَقَدْ کَانَ حُسْنُ ظَنِّی بِجُودِکَ أَنْ تُقَلِّبِنِی بِالنَّجَاةِ مَرْحُومًا.

نیز در این بند استفهام برای بیان انکار آورده شده است و حضرت بیان می‌دارد که مایوس شدن از طلب جود و بخشش خداوند محال است.

۲-۱-۳. انسجام و بررسی نوع ارتباط میان جملات

فرکلاف معتقد است که انسجام پیوندهای صوری بین جملات یک متن است که ممکن است در بردارنده پیوندهای واژگانی بین جملات باشد، به نحوی که واژه‌ها تکرار شود. ممکن است در بردارنده کلمات ربطی باشد که نشان‌گر روابط گوناگون زمانی، مکانی، منطقی و یا ارتباط میان مفاهیم و عبارات متن باشد. یا ممکن است در بردارنده ارجاع باشد؛ به این طریق که کلماتی به جملات پیشین، یا به نحو نادرتر به کلمات بعدی و جملات بعدی مرتبط باشد.^۱ به مواردی از عوامل انسجام اشاره می‌شود:

۲-۱-۳-۱. عوامل واژگانی

۲-۱-۳-۱-۱. تکرار

یکی از مهم‌ترین عوامل انسجام واژگانی تکرار است. تکرار به کارگیری متعدد برخی از متن است که سبب به وجود آمدن شبکه‌ای از روابط بین عناصر متن می‌شود و ساختار متن را محکم، جنبه دلالتی آن را تقویت می‌کند.^۲ یکی از اهداف تکرار «جلب توجه مخاطب به شیء تکراری است که این کار را به خاطر مبالغه در مدح یا ذم و... به کار

۱. تحلیل انتقادی گفتمان، ص ۱۹۹.

۲. «أثر التکرار فی التماسک النصی نقاربه معجمیه تطبیقیه فی ضوء مقالات د. خالد منیف»، ص ۲۰.

می‌برد.^۱ کلام امام علیه السلام مشحون از انواع تکرار در قالب جمله، واژه، حرف و مفهوم با مقاصد مختلف است در اینجا تنها به دو نمونه از تکرار جمله و واژه بسنده می‌شود که بسامد آن‌ها به ترتیب در نمودار ۱ و ۲ نمایش داده شده است.

واژه «عذر»: ابن عاشور در باب تکرار کلمه معتقد است «تکرار کلمه به صورت تصادفی و صرفاً جهت پرکردن عبارات نیست، بلکه در ورای آن دلالت و معنایی نهفته است. هدف از تکرار تأکید معنا، نفی یا یادآوری و یا وسعت دادن به مفهوم جمله است.^۲ از جمله موارد تکراری در مناجات شعبانیه - که فضای طلب آمرزش از جانب حضرت علیه السلام در دعا را مضاعف کرده است - تکرار کلمه «عذر» در بند «إِلَهِي إِعْتِدَارِي إِلَيْكَ إِعْتِدَارَ مَنْ لَمْ يَسْتَعْنِ عَن قَبُولِ عَذْرِهِ، فَاقْبَلْ عَذْرِي يَا أَكْرَمَ مَنْ إِعْتَدَرَ إِلَيْهِ الْمُسِيئُونَ» است. تکرار این کلمه و به تبع آن، تکرار حرف «ق» و هماهنگی آن با واژه‌های «قبول و أقبل» بر تأثیر موسیقایی حرف «ق» افزوده و سایه اندوه را در صورت رد شدن از درگاه الهی بردل‌ها مستولی ساخته است. در این بند، مشتقات واژه «عذر و قبل» آهنگ موسیقایی خاصی به عبارات بخشیده است. می‌توان گفت که هدف از تکرار در این بند، مبالغه در اعتذار به سوی خداوند و درخواست پذیرش عذر او از سوی خداوند است. این مبالغه در تحریک احساسات مخاطب و تحقق هدف مورد نظر مؤثر خواهد بود.

از مضامین تکراری در این مناجات جملات شرطی است. این‌گونه از جملات ناظر بر پیامدهای منفی رویگردانی از خداوند به صورت متوالی است. همچنین رابطه بین فعل شرط و جواب - که همان رابطه علی و معلولی است - مخاطب را مطمئن می‌سازد که با وجود گناهان مورد عفو خداوند قرار می‌گیرد. به نمونه‌ای از دعا اشاره می‌شود.

إِلَهِي إِنْ كَانَتْ الْخَطَايَا قَدْ أَسْقَطْتَنِي لَدَيْكَ، فَاصْفَحْ عَنِّي بِحُسْنِ تَوَكُّلِي عَلَيْكَ.

۲-۱-۳-۱-۲. هم‌آیی

یکی دیگر از عوامل انسجام بخش در متن هم‌آیی است. منظور از آن به هم مربوط بودن عناصر واژگانی معینی در چارچوب موضوع یک متن است که منجر به پیدایش ارتباط بین جمله‌های آن متن می‌شود.^۳ در متن مناجات امام علی علیه السلام از کلماتی استفاده شده که

۱. المثل السائر فی الادب الکاتب و الشاعر، ج ۳، ص ۴۴.

۲. التحریر و التنویر، ص ۵۹-۵۲.

۳. تحلیل انتقادی گفتمان و ادبیات، ص ۱۰۸.

پرباربرد بوده و در چارچوب مفاهیم دینی قرار دارد. مانند واژگان:

(سَرِيرَتِي وَعَلَانِيَتِي)، (زِيَادَتِي وَنَقْصِي)، (نَفْعِي وَضَرَرِي)، (حُلُولِ سَخَطِ)، (فَضْلِ سَعْتِك)، (حُسْنِ تَوَكُّلِي)، (اِقْرَارِ بِالذَّنْبِ)، (رُؤُوسِ الْأَشْهَادِ)، (بَسْطِ أَمَلِ)، (قَبُولِ عُذْرِ)، (أَخْذِ بِجْرَمِ)، (شِرَّةِ السَّهْوِ...).

با در نظر گرفتن اشتراك معنایی و مفهوم هم آیی و مراعات النظير و بررسی متن مناجات مشخص می شود که هم آیی در کلمات و اصطلاحات در این مناجات از نوع گفتمانی تأثیر پذیرفته است که این مناجات بخشی از آن به شمار می رود.

۲-۳-۱-۲. عوامل دستوری

عوامل دستوری به سه بخش ارجاع، حذف و جایگزینی تقسیم می شود.

۲-۳-۱-۲-۱. ارجاع

گاهی لازم است برای تفسیر برخی واژگان در متن، واژگان دیگر در همان متن تعبیر و تفسیر شود. برای فهم آن ها باید به مراجع آن ها مراجعه کرد. ارجاع در متن با ضمیر، اسم موصول و اسم اشاره صورت می گیرد و به دو صورت پیش مرجع و پس مرجع است. از جمله انواع ارجاع می توان به ضمیر کاف و یاء اشاره نمود که بسامد آن در نمودار ۱ نمایان است.

البته باید اذعان نمود بیشتر ضمایر موجود در این ادعیه به صورت مفرد (أنا-ت-ی-ت-ك) هستند. بنابراین می توان نتیجه گرفت که در همه دیالوگ های انسانی - که به صورت اول شخص و دوم شخص است - تقابل وجود دارد. امام علیه السلام از طریق شروع سخن در سیاق امری که به معنای التماس و تضرع به درگاه خداوند است (إسمع دعائی وإسمع ندائی)، و در این جا امری مجازی است، از سوی دیگر، اتصال واژگانی ضمایر متکلم و مخاطب در (إسمع دعائی إذا دعوتك وإسمع ندائی إذا ناديتك وأقبل علي إذا ناجيتك) التماس و تضرع خود را برای جلب توجه و استعطف و نزدیکی متکلم به مخاطب بیان می کند.

۲-۳-۱-۲-۲. حذف

حذف به دو دلیل سبب انسجام متنی می شود:

الف. عدم تکرار: عنصر محذوف غالباً مشتق از ماده عنصر مذکور یا معنا یا متعلقات آن است. لذا اگر در جمله آورده شود، با نام تکرار شناخته می شود.

ب. ارجاع: حذف عنصری از متن بیشتر با توجه به وجود قرینه در متن رخ می‌دهد. لذا شناخت عنصر محذوف، نیازمند شناخت قرینه است. پس قرینه مرجعی برای محذوف قرار می‌گیرد که ممکن است قبل یا بعد از محذوف باشد.^۱ حذف در مناجات شعبانیه بیش از ده بار رخ داده است که به نمونه‌ای از آن اشاره می‌کنیم:

وَلَا يَخْفَى عَلَيْكَ أَمْرٌ مُنْقَلَبِي وَمَثْوَايَ.

که عبارت محذوف «لا يخفى عليك» و با عبارت محذوف «وَلَا يَخْفَى عَلَيْكَ أَمْرٌ مُنْقَلَبِي وَمَثْوَايَ» است.

إِلَيْكَ أَبْتَهَلُ وَأَرْغَبُ.

واژه محذوف «إليك» و با محذوف بدین صورت است: «إِلَيْكَ أَبْتَهَلُ وَإِلَيْكَ أَرْغَبُ». حذف در مناجات به دلیل وجود قرینه و با توجه به بافت و متن صورت گرفته است. لذا موجب ابهام خواننده نیست و هیچ خللی در مفهوم متن ایجاد نشده است؛ چرا که عبارت مذکور جانشین عبارت محذوف است و به آن اشاره می‌کند. حذف در این بند با جلوگیری از تکرار برخی عبارات که قرینه دارند، سبب ایجاد متن شده و خواننده را مجذوب خود می‌سازد و همچنین باعث فعال شدن ذهن مخاطب می‌شود؛ چرا که باید به دنبال قرینه‌ای برای عبارات محذوف باشد، لذا به ناچار به جمله قبلی رجوع می‌کند تا بتوان معنای متن را به طور کامل دریافت کند.

۲-۱-۴. بررسی اسلوب موسیقی کلام

یکی دیگر از مظاهر زیبایی کلام این است که کلمات آخر جملات در وزن یا حرف روی یا هر دو موافق باشند.^۲ در هنر نثر یک موسیقی درونی حاکم است که از رهگذر سجع و توازن و انواع بدیع لفظی و توالی حروف و تنوع اصوات و حرکات کوتاه و بلند به وجود می‌آید. سجع از جمله عوامل موسیقی ساز در گفتمان است. مناجات امام علیه السلام که در آن از فضل و رحمت خداوند سخن گفته نوعی آرامش و هماهنگی دارد که موقعیت مخاطب آن را اقتضا کرده است.^۳ بنابراین موقعیت استدلالی و عملی مناجات، نوعی موسیقی آرام و هماهنگ را

۱. تحلیل انتقادی گفتمان و ادبیات، ص ۸۱.

۲. جواهر البلاغه، ص ۳۴.

۳. المدخل الی علوم نهج البلاغه، ص ۴۶.

می‌طلبد که به نظر می‌رسد سجع متوازن و سجع متوازی به خاطر وجود وزن ذاتی که در ساختار آن‌ها وجود دارد، در ایجاد این موسیقی تأثیر بسزایی داشته است.

سجع متوازی، سجعی است که فاصله هم در وزن و هم در قافیه یکسان باشد.^۱ بیش از ده نمونه سجع متوازی در اوزان مختلف در این مناجات وجود دارد. به دو نمونه از آن اشاره می‌کنیم:

إِلَهِي جُودِكَ بَسَطَ أَمَلِي وَعَفْوُكَ أَفْضَلُ مِنِّ عَمَلِي.^۲

بین واژه‌های «أَمَلِي و عَمَلِي» سجع متوازی وجود دارد.

غالب سجع‌های متوازی در گفتمان امام علی در بخش توحیدی به کار رفته است. امام علی در این بخش از گفتمان رحمت خداوند را به مخاطب یادآور می‌شود تا به مناجات با او بپردازد.

إِلَهِي إِنَّ مَنِ انْتَهَجَ بِكَ لَمُسْتَجِيرٍ، وَإِن مَّنِ اعْتَصَمَ بِكَ لَمُسْتَجِيرٍ.

بین واژه‌های «مستتیر و مستجیر» سجع متوازی وجود دارد. انبوه سجع در این قسمت با ایجاد آهنگی زیبا مخاطب را به شنیدن مطالب تشویق می‌کند.

۲-۱-۵. تحلیل آوایی مناجات شعبانیه

آواها، امواج قابل حسی هستند که در فضا حرکت می‌کنند و بعد از اندکی از بین می‌روند و قسمتی از آن‌ها بسته به شدت نوسانشان در گوش می‌مانند و دلالت‌هایی از جمله شادی، اندوه، نهمی، امر و... را به همراه دارند.^۳ گاه اتفاق می‌افتد که میان حرف و لفظ، یک ارتباط درونی و پنهانی ایجاد می‌گردد؛ یعنی حروف به کمک کلمه آمده و معنای آن را کامل‌تر، زیباتر و مؤثرتر می‌کنند؛ مثلاً کشش صوتی «الف» و پخش شدن صدا در «ه» دلالت واژه «آه» را برای بیان حزن و اندوه و افسوس، بیشتر می‌کند.^۴

۲-۱-۵-۱. توازن هجایی

آنچه در شعر مهم است، همراهی لفظ و معنا در موسیقی بیرونی و درونی آن است. اما در نثر موسیقی بیرونی تنها در توازن هجایی قابل بررسی و ارزیابی است و موسیقی درونی نمود بیشتری دارد.^۵ عمده دلیل زیبایی و تأثیر خیره‌کننده این مناجات نیز عوامل موسیقایی و

۱. جواهر البلاغه، ص ۴۳۵.

۲. کلیات مفاتیح نوین، ص ۶۴۶.

۳. الصوت اللغوی فی القرآن، ص ۱۴.

۴. فضای موسیقایی معلقة امرئ القیس، ص ۱۱۷.

۵. ساختار موسیقایی مناجات امام علی در مسجد کوفه، ص ۳.

نظم آهنگ دلنشین آن است.^۱ در این مناجات بسیاری از عبارات در نظامی هماهنگ از توالی و یکسانی هجایی شکل گرفته است.

با تقطیع هجایی مناجات شعبانیه که بیان درد عمیق آن حضرت است، درمی یابیم که تعداد هجاهای کوتاه و بلند آن تقریباً به یک اندازه به کار رفته است و در تمام عبارات هجاهای بلند و کوتاه درهم آمیخته و نظم و توالی خاصی ندارند (هجای کوتاه هزار بار و هجای بلند ۹۸۴ بار). حضرت آن گاه که باب ناله و تضرع می گشاید، مضمون حزن آلود است که متناسب با آن وزن آرام و ملایم می شود. در بعضی از بندها افزونی هجای بلند در عبارات و کلمات بیشتر از هجای کوتاه است. این خصوصیت به کندکردن لحن می انجامد که متناسب با ساختار زبان عاطفی و بیان اندوه است.

مناجات وزنی کاملاً آرام و متناسب با نجوهای شبانه متکلم دارند. افزون بر این توالی و نظم، یکسانی هجاهای بلند و بسیاری از عبارات مناجات ضرب آهنگ خاصی را ایجاد نموده است و نظام موسیقایی متن را منسجم تر و آهنگ را دوچندان کرده است.

۲-۱-۶. موسیقی درونی مناجات شعبانیه

موسیقی درونی مجموعه هماهنگی هایی است که در نتیجه همسانی واژگان و وحدت بین مصوت ها و صامت های واژگان درون یک شعر به وجود می آید.^۲ محور اصلی موسیقی این مناجات تکرار است که بسامد آن در صامت، مصوت، واژگان و عبارات موجب زیبایی است.

تکرار در سه سطح واج، واژه و عبارت، از مهم ترین مؤلفه های موسیقی درونی مناجات است. در سطح واجی، تکرار مصوت (ا) و (ای) به متن عنصر موسیقایی بخشیده است و نوای آن را پراثر می کند. در سطح واژگان، فضای لذت بخشی از تکلم و نجوا با پروردگار ایجاد می کند که حضور و وصل عبد و معبود است. تکرار جمله ندایی «إلهی» از برجسته ترین نمونه های تکرار در سطح عبارت است که فضایی از اندوه را بر ساختار متن حاکم می سازد.

بسامد یکسان هجای کوتاه و بلند و عدم نظم و توالی آن ها، حاکی از اضطراب و ترس از عقوبت گناهان است، در حالی که بسامد هجای بلند نیز مناسب فضای حزن و اندوه است. در این مناجات تکرار مصوت (آ و ای) بیان گرامتداد صوت هستند و متناسب با

۱. همان، ص ۷.

۲. نگاهی به شعر شاملو، ص ۱۰۸.

فضای آه و ناله است و اندوه آن حضرت را در برابر پروردگار بیان می‌کند. مصوت (ای) به ویژه، بیشتر با فضای مناجات که بر تضرع و ضجه مبتنی است، تناسب دارد. بررسی تکرار این حروف در متن مناجات بیان‌گر تناسب آواها با حالات نفسانی و درونی امام و بر اساس مقتضای حال مخاطب است.

۱-۶-۱-۲. جهرو همس

یکی از نکات قابل بررسی در بخش موسیقی درونی گفتمان امام (ع)، نحوه کاربرد حروف جهرو همس است. همس از نظر لغوی به معنای پنهان شدن و اصطلاحاً حروفی هستند که به هنگام تلفظ آن‌ها تارهای صوتی به حرکت در نمی‌آید. همس دارای صفت ضعف است این حروف عبارت‌اند از «هاء، حاء، سین، شین، فاء، صاد، تاء، ضاد، کاف، خا». جهر همان لرزش صداست که در نتیجه حرکت تارهای صوتی حاصل می‌شود. و از نظر لغوی به معنای آشکار بودن است.^۱ برتیل المبریج در کتاب علم الأصوات جهرا نوسان تارهای صوتی در هنگام تکلم بدون داشتن صدای خاص می‌داند و همس را عدم نوسان تارهای صوتی با صدای دیگر در هنگام تکلم تعریف می‌کند.^۲ جز حروف مهموس - که به آن اشاره شد - بقیه حروف عربی حروف مجهور هستند که بسامد این حروف دقیقاً سه برابر حروف مهموس است. نمودار زیر بیان‌گر بسامد حروف مجهور و مهموس در متن مناجات است:



۱. أصول اللغة العربية أسرار الحروف، ص ۹۰-۹۱.

۲. علم الأصوات، ص ۱۰۹.

إِلَهِي إِنْ أَخَذْتَنِي بِجُرْمِي أَخَذْتُكَ بِعَفْوِكَ، وَإِنْ أَخَذْتَنِي ذُنُوبِي أَخَذْتُكَ بِمَغْفِرَتِكَ.

تکرار چهارباره واژه «أخذ» پس از پایان جمله، در ذهن فضایی از اخذ و گرفتن متقابل بین فرد و مخاطب را - که پروردگار باشد - تداعی می‌کند و با مضمون اصلی بند - که مؤاخذه است - تناسب دارد؛ با این تفاوت که مؤاخذه پروردگار به معنای اصلی است و مؤاخذه بنده معنای مجازی دارد. حرف خاء اگر رقیق تلفظ شود، تداعی بخش رخوت و رقت و نرمی است. از سوی دیگر، حرف ذال تداعی بخش اضطراب و سرعت و تزلزل و لرزش است. به نظر می‌رسد مناجات امام علی علیه السلام - که جنبه تعلیمی دارد - برای انسان بیان شده است و بیان‌کننده این مطلب است که انسان از مؤاخذه پروردگار نگران و در اضطراب است. به نوعی می‌توان لرزش و اضطراب را در کلام امام علیه السلام حس کرد؛ آن زمان که در برابر پروردگار به این جمله مؤاخذه بنده می‌رسد؛ اما از سویی عفو و بخشش پروردگار به نوعی آرام‌بخش دل‌های مضطرب است که معنای رقت و رخوت و آرامش نهفته در حرف خاء می‌تواند مبین این موضوع باشد.

بر اساس ویژگی‌های ظاهری در متن مناجات، واژگان دارای معنای ایدئولوژیک و هدف‌دار گزینش شده‌اند. امام علیه السلام با برقراری ارتباط میان اجزای جمله، معنای مورد نظر خود را انتقال می‌دهد و این منظور در جهت خداشناسی، هدایت مردم به سوی خداوند، تربیت فرد و جامعه، تنویر افکار عمومی است. ایشان با استفاده از شاخص‌های زبانی ایدئولوژی توحیدی خویش را بیان می‌کند.

۲-۲. سطح تفسیر

تفسیر ترکیبی از محتویات خود متن و ذهنیت مفسر است و مقصود از ذهنیت مفسر، دانش زمینه‌ای است که مفسر در تفسیر متن به کار می‌برد. از دیدگاه مفسر، ویژگی‌های صوری متن به منزله سرنخ‌هایی هستند که عناصر دانش زمینه‌ای ذهن مفسر را فعال می‌سازد. و تفسیر محصول ارتباط متقابل و دیالکتیکی این سرنخ‌ها و دانش زمینه‌ای ذهن مفسر خواهد بود. این دانش زمینه‌ای با تدابیر و تمهیدات مفسر را شیوه‌های تفسیر می‌نامیم.^۱ در تفسیر سعی می‌شود تا پیش فرض‌های مربوط به متن مورد تحلیل و بررسی قرارگیرد و میزان ارتباط متن با متن‌های قبل و هم‌عصر خود بیان می‌شود؛ به این صورت که نشان داده

۱. تحلیل انتقادی گفتمان، ص ۲۱۵.

می شود نویسنده با استفاده از چه پیش زمینه هایی متن خود را نوشته است. در این بخش به تحلیل مناجات امام علیه السلام در سطح تفسیر می پردازیم تا بافت موقعیتی و بینامتنیت آن بررسی گردد.

۲-۱- بافت موقعیتی

گرچه به صورت دقیق بافت زمانی ادعیه امام علیه السلام مشخص نشده است، اما با توجه به محتوای مناجات می توان به این نتیجه رسید که زمان، زمان آشوب ها و جنگ های داخلی در سرزمین های عربی خصوصاً شام و کوفه بوده و به دشمنی های قریش علیه امام در نبرد صفین در سال ۳۷ قمری که در حقیقت جنگ بزرگان قریش با علی علیه السلام بوده اشاره دارد.^۱ مردم مدینه در سراسر حکومت امام، خود را از تمام حوادث کنار کشیدند و هر چند همانند قریش علیه او ننگیدند، هیچ گاه در حمایت از او اقدامی نکردند. عدم حمایت مسلمانان اصیل و سابقه دار امام را واداشت به مردمی پناه برد که تربیت اسلامی قابل توجهی نداشتند و سرانجام او را در طوفان حوادث تنها گذاشتند. بافت مکانی اثر به سرزمین های شام، کوفه، مکه و مدینه اشاره دارد. شامی ها که وفادار پسران ابوسفیان بودند، به جنگ امام آمدند و بیشترین نقش را در تضعیف حکومت او و به بن بست کشاندن برنامه هایش ایفا کردند. کوفه هم تحت تأثیر اشراف و منافع دنیوی، از امام فاصله گرفتند. در بین گروه های مخالف حضرت و نیز حمایت مالی اشراف و به خصوص بنی امیه از مخالفان، چنان جوی علیه امام ایجاد نمود که این خلیفه که از مقام بی همتایی برخوردار بود، مظلومانه در تنهایی به سر برده و از هیچ ناحیه ای حمایت نشد. در کوفه افراد سودجو و عافیت طلب پس از جنگ صفین اذهان بسیاری را مشوش کرده، در نتیجه عصیان، سرپیچی و زمزمه های مخالفت در کوفه گسترش یافت. به نظر می رسد حزن و اندوه امام و نگاه ناامید او در این دوره مولود اثرات جنگ های داخلی و مخالفت ها و اختلاف هایی بود که در بین مسلمانان به وجود آمده بود.

۲-۲- بینامتنیت

گفتمان ها و متون آن ها خود دارای تاریخ بوده و متعلق به مجموعه های تاریخی هستند. و تفسیر بافت بینامتنی به این موضوع بستگی دارد که متن را متعلق به کدام مجموعه بدانیم و در نتیجه، چه چیزی را میان مشارکان، زمینه مشترک و مفروض بدانیم؟ تحلیل بینامتنی ما

۱. وقعة الصفین، ص ۱۰۲.

را متوجه این نکته می‌سازد که متن‌ها وابسته تاریخ و جامعه‌اند؛ بدین معنا که تاریخ و جامعه منابعی هستند که تحلیل بینامتنی را در نظم‌های گفتمان ممکن می‌سازند.^۱ در این مرحله یک گفتمان در بین گفتمان‌های دیگری قرار دارد که با آن در زمینه اجتماعی، سیاسی و مذهبی مشارکت دارد و پدیدآورنده متن از متون پیشین استفاده می‌کند و اثری جدید در زمینه گفتمان ایجاد می‌کند.

فرکلاف دو نوع بینامتنیت برشمرده است: بینامتنیت صریح و بینامتنیت سازنده. بینامتنیت صریح بر به کارگیری متون دیگر در یک متن به صورت مستقیم، مانند استفاده از علائم نقل قول و مانند آن اشاره دارد. بینامتنیت سازنده مفهومی وسیع‌تر است و نشان‌دهنده تأثیر محتوایی گفتمان‌های دیگر در یک متن است. این مفهوم هنگامی واقع می‌شود که گفتمان‌ها و ژانرهای مختلف در یک رخداد ارتباطی واحد با یکدیگر مفصل‌بندی می‌شوند.^۲ حضرت در طول گفتمان، علاوه بر اشاره مستقیم به آیات از الفاظ و واژگان قرآنی استفاده می‌کند تا با استفاده از بینامتنیت، شنوندگان را به مدلول آیات سوق دهند و گفتمان ادعیه را در پیوند عمیق با قرآن قرار داده و اثربخشی لازم را ایجاد کند. او با استفاده از تضمین و بینامتنیت گفتمان خود را به آیات پیوند می‌زند و آن را گفتمان قرآنی می‌سازد تا با ایجاد کنش ارتباطی لازم بر مخاطبین، آنان را با خود و مضامین مطرح شده در دعاهم سوسازند و انگیزه لازم برای پویایی و بازگشت به دستاوردهای اسلامی را در آنان فراهم سازند.

امام علیه السلام با برقراری بینامتنیت میان ادعیه و آیات قرآن موجب پویندگی و برجستگی گفتمان می‌شوند و انگیزش لازم را برای اقناع مخاطبان می‌آفرینند. در ادامه به نمونه‌ای از وام‌گیری‌های امام علیه السلام از آیات قرآن اشاره می‌کنیم.

وَبِيدِكَ لَا بَيْدٍ غَيْرِكَ زِيَادَتِي وَ نَقْصِي وَ نَفْعِي وَ ضَرْرِي .

حضرت به این مسأله آگاهی دارد که خداوند نه تنها زیادت و نفع را - که نصیب آدمی می‌گردد - از سوی خود می‌داند، بلکه نقصان و ضرر و مصائبی که به انسان وارد می‌شود به خود منتسب می‌داند؛ همان‌گونه که در قرآن، سوره حدید آیه ۲۲ بدان اشاره فرموده است که:

۱. تحلیل انتقادی گفتمان، ص ۱۲۲.

۲. نظریه و روش در تحلیل گفتمان، ص ۱۲۸.

وَمَا أَصَابَ مِنْ مُصِيبَةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي أَنْفُسِكُمْ إِلَّا فِي كِتَابٍ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَبْرَأَهَا أَنْ
ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ.
الْهَى وَالْهَمْنِي وَهَذَا بَذَكَرَكَ.

آنان که در سرسودای قلبی آرام و مطمئن و دلی فراغ از اضطراب و آشوب می‌خواهند، جز با یاد خدا و ذکر پروردگار جهان به آن دست نمی‌یابند.
قرآن کریم در سوره رعد آیه ۲۸ می‌فرماید:

﴿الَّذِينَ آمَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ﴾.

در چارچوب بینامتنیت است که متون کهن بر متون جدید تأثیر می‌گذارند، این فرایند در شکل‌گیری گفتمان هم‌نوع به شکل مستقیم و غیرمستقیم شرکت می‌کنند.
در مناجات شعبانیه بینامتنیت به هر دو نوع سازنده و صریح به کار رفته است.
در بعضی موارد امام علی علیه السلام الفاظ قرآنی را به شکل مستقیم به کار گرفته است که همان بینامتنیت صریح است و در بسیاری موارد از محتوای گفتمان‌های دیگر تأثیر پذیرفته و به شکل غیرمستقیم از متن قرآن در متن مناجات استفاده نموده است و این بینامتنیت سازنده است.

۲-۳. مناجات شعبانیه در سطح تبیین

هدف از مرحله تبیین، توصیف گفتمان به عنوان بخشی از یک فرایند اجتماعی است.
تبیین، گفتمان را به عنوان کنش اجتماعی توصیف می‌کند و نشان می‌دهد گفتمان‌ها چه تأثیرات باز تولیدی می‌توانند بر آن ساختارها بگذارند؛ تأثیراتی که منجر به حفظ یا تغییر آن ساختارها می‌شوند. منظور از ساختارهای اجتماعی مناسبات قدرت است و هدف از فرایندها و اعمال اجتماعی، فرایندها و اعمال مربوط به مبارزه اجتماعی است. بنابراین تبیین عبارت است از دیدن گفتمان به عنوان جزئی از روند مبارزه اجتماعی در ظرف مناسبات قدرت.^۱ رابطه گفتمان‌ها با فرایندهای مبارزه و مناسبات قدرت موضوع بحث مرحله تبیین است.^۲ گفتمان علوی کنشی اجتماعی در برابر قدرت حاکم است که در تلاش است قدرت و ایدئولوژی حاکم بر جامعه را تغییر دهد. در تبیین گفتمان مفاهیمی مانند

۱. تحلیل گفتمان انتقادی، ص ۲۴۵.

۲. همان، ص ۲۱۴.

قدرت، ایدئولوژی و هژمونی تحلیل می‌شوند.^۱

۲-۳-۱. ایدئولوژی و قدرت

ایدئولوژی و قدرت بن‌مایه‌های گفتمان انتقادی هستند؛ زیرا گفتمان، هم‌سویا در تقابل با جهان‌بینی قدرت حاکم بر جامعه آفریده می‌شود. یکی از اصول پذیرفته‌شده در تحلیل گفتمان انتقادی، کارکرد ایدئولوژیک گفتمان است.^۲ هر بخشی از متن، جهان‌بینی حاکم بر گفتمان را نشان می‌دهد و ایدئولوژی و قدرت سیاسی حاکم بر جامعه را تقویت یا تضعیف می‌کند.

از لحاظ اجتماعی دعا یکی از راه‌های مبارزه اجتماعی است که به صورت امر به معروف و نهی از منکر جلوه‌گر است. علی‌علیه تلاش می‌کرد دعای متناسب با مشکلات اجتماعی را به مردم تعلیم دهد تا به وسیله آن مردم را از محیط فاسد دور کند و آنان را از حاکمان ستمگر بیزار کند. روش سیاسی او به این صورت بود که با دعا مردم را با مشکلات جامعه آشنا کند تا به دنبال درمان آن باشند. دعا بجز راز و نیاز با خدا به پاره‌ای از مشکلات سیاسی - اجتماعی اشاره می‌کند. علی‌علیه به وسیله دعا به مردم می‌فهماند که در حکومت‌های ستمگر دین و قوانین آن پایمال می‌شود و شرک بنیان نهاده می‌شود. هدف گفتمان علوی تضعیف ایدئولوژی و قدرت حاکم بر جامعه و ابطال و خنثی کردن ایدئولوژی حاکم است. کنش بیان گفتمان امام علی‌علیه تلاشی برای بازگشت به مفاهیم ارزشمند قرآنی و بستر فکری جامعه زمان پیامبر اکرم ﷺ و نیز دگرگون کردن محور تفکرات مخاطبان است و می‌فرماید:

وقد أفنیت عمری فی شرة السهو عنک و ابلیت شبابی فی سكرة التباعد منک.

او با بیان این مطلب باورهای مخاطبان را به نقد می‌کشاند و آنان را به گفتمان مسلط حساس می‌کند تا بدانند که در سایه ایدئولوژی‌های مختلف فرمان‌پذیری از او با زمان رسول خدا ﷺ تفاوت چشم‌گیری داشته است. حضرت در مورد چند صدایی جامعه آن روز می‌فرماید:

إلهی أفتی فی أهل ولایتک.

این بند به برگزیدن خدایان دیگری برای پرستش از جانب مردمان آن زمان اشاره دارد. دعا در مناجات امام علی‌علیه نقش بسیار مهمی در سازندگی و تربیت فرد و جامعه دارد. ایدئولوژی

۱. «تحلیل گفتمان انتقادی در نهج البلاغه بر اساس تئوری نورمن فرکلاف (مطالعه موردی خطبه‌های علی‌علیه در جریان فتنه‌های خوارج)»، ص ۱۹.

۲. مطالعاتی در تحلیل گفتمان از دستور متن تا گفتمان کاوی انتقادی، ص ۸۹.

دیگرامام از پرداختن به دعا و مناجات خداشناسی است. وی سعی دارد از این طریق انسان را به شناخت حقیقی برساند؛ چون یکی از عواملی که باعث اجتناب از گناه می‌شود، شناخت خدا و توجه به اوست. ایشان می‌فرماید:

مَنْ عَرَفَ اللَّهَ كَمَلَتْ مَعْرِفَتُهُ.^۱

در ادعیه زیباترین راه‌های خداشناسی بیان شده است.

۲-۳-۲. تبیین رابطه شمولی در متن مناجات

تضرع و انابه حکایت از غرق شدن انسان در گناه در زمان حضرت علیه السلام دارد. گرچه دعا و مناجات امام علیه السلام جنبه آموزشی دارد و هرگز مراد شخص خود حضرت نیست، بلکه نحوه توبه را به مردم جامعه آموزش می‌دهد. این مطلب به بحث انابه و بخشیده شدن انسان توسط رحمت الهی - که یکی از آموزه‌های اصلی دین اسلام است - اشاره دارد. مراد حضرت از این بند «إِلَهِي قَدْ جُرْتُ عَلَى نَفْسِي فِي النَّظَرِ لَهَا فَلَهَا الْوَيْلُ إِنْ لَمْ تَغْفِرْ لَهَا»، این است که بیان کند خداوند هنوز در این جامعه حضور دارد و تلنگری در جامعه لازم است که انسان به خداوند توجه کند و از امیال نفسانی دست بکشد و به خداوند دل بسپارد. بنابراین از دیدگاه امام علیه السلام اعتقادات پابرجاست. دلیل شمول معنایی در کلام حضرت برای بیان تأکید و اعتناست؛ به عنوان مثال در بند «إِلَهِي إِنْ كَانَتْ الْخَطَايَا قَدْ أَسْقَطْتَنِي لَدَيْكَ فَاصْفَحْ عَنِّي بِحُسْنِ تَوَكُّلِي عَلَيْكَ وَإِلَهِي إِنْ حَطَّتَنِي الدُّنُوبُ مِنْ مَكَارِمِ لُطْفِكَ فَقَدْ نَبَّهْتَنِي الْيَقِينَ إِلَى كَرَمِ عَطْفِكَ» حضرت قصد دارد بر سقوط انسان عصر خویش پافشاری نماید و تصویری واقعی از او برای ما نشان دهد که چگونه مرتبه و شأن او تنزل یافته و به گناه حقیر شده است. این مطلب از دو فعل «أَسْقَطْتَنِي وَحَطَّتَنِي» آشکار است که دو شاخص زبانی در متن هستند. بنابراین، حضرت به یکی از واقعیت‌های اجتماعی، یعنی گناه‌آلوده شدن انسان عصر خویش تا سرحد سقوط اشاره و تأکید دارد.

در مناجات شعبانیه ساختار اجتماعی نفاق باعث شکل گرفتن این متن شده است. مردم آن عصر به خاطر روحیه زراندوزی و مقام پرستی و عقیده و عمل سیاسی - اقتصادی و به خاطر قدرت و اموالی که به دست آورده بودند، از دین دور شده و اخلاقشان به انحطاط کشیده شده بود. این انحطاط اخلاقی و دنیا زدگی باعث شده بود به نفاق گرایش پیدا کرده و از حمایت امام دست بردارند. به نظر می‌رسد این عوامل از دلایل انزوای امام و متوسل شدن او به مناجات و راز و نیاز با خدا باشد.

۱. غرر الحکم و درر الکلم، ص ۱۰۵۶.

نتیجه‌گیری

۱. در مرحله توصیف، نشان داده شد که امام علی علیه السلام با بهره‌گیری از استعاره ایدئولوژی معناداری به مناجات خویش بخشیده است که در تبیین اوضاع اجتماعی - سیاسی آن روزگار مؤثر بوده است. نیز در جملات با وجوه خبری، با قطع و یقین به بیان موقعیت گفتمانی پرداخته که بیان‌گر میزان تعهد نویسنده به گزاره‌هاست. بسامد بالای وجوه خبری گویای آن است که نویسنده در مقام فاعل و جایگاه اطلاع‌دهنده است و این متن به عنوان ابزاری قاطع برای ارسال پیام است. در بعضی عبارات، قصد نویسنده برای انگیزش مخاطب نیست، بلکه نوعی انتظار، حسرت و اندوه را نشان می‌دهد. و نویسنده از گفتمان وجوه افعال به طور یکسان استفاده نمی‌کند، بلکه وجوه سه‌گانه اخباری پرسشی و امری را برحسب ضرورت و قصد و نیت خود به کار گرفته است.

۲. در سطح تفسیر بافت‌های موقعیتی متفاوتی در آن دیده می‌شود که در هر کدام از آن‌ها، افراد متفاوت با جایگاه اجتماعی خاص خود مشارکت دارند. روحیه زراندوژی و مقام پرستی باعث دور شدن از دین و انحطاط اخلاقی مردم آن دوران شده و این انحطاط اخلاقی و نیازدگی باعث شده بود جامعه به دورویی و نفاق گرایش پیدا کرده و از حمایت امام دست بردارند.

در مناجات شعبانیه بینامتنیت به هر دو نوع سازنده و صریح به کار رفته است. امام علیه السلام هم به شکل مستقیم و هم به شکل غیرمستقیم از آیات و الفاظ قرآنی در متن مناجات استفاده نموده است. ایشان با برقراری بینامتنیت میان ادعیه و آیات قرآن موجب پویندگی و برجستگی گفتمان می‌شوند و انگیزش لازم را برای اقناع مخاطبان می‌آفرینند.

۳. در سطح تبیین، ایدئولوژی غالب در گفتمان در موضوع امر به معروف و نهی از منکر، سازندگی و تربیت فرد و جامعه، خداشناسی و تنویر افکار عمومی و هدایت به سوی خداوند و توسل به درگاه الهی و تضرع و التماس خلاصه شده است. براین اساس، بیشترین حجم واژگان برای انتقال معنایی متناسب با این ایدئولوژی‌ها انتخاب شده است. از دیگر ایدئولوژی‌های امام، بیان انحرافات اجتماعی در جامعه آن زمان است. نیز هدف گفتمان علوی تضعیف ایدئولوژی و قدرت حاکم بر جامعه و ابطال و خنثی کردن ایدئولوژی حاکم است. کنش بیان گفتمان امام علی علیه السلام تلاشی برای بازگشت به مفاهیم ارزشمند قرآنی و بستر فکری جامعه زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و نیز دگرگون کردن محور تفکرات مخاطبان است.

کتابنامه

قرآن کریم

استراتيجيات الخطاب نقاربة لغوية تداولية، عبدالهادی بن ظافر الشهري، بيروت، دارالكتاب الجديدة المتحدة، ج ١، ٢٠٠٤م.

أصول اللغة العربية أسرار الحروف، أحمد زرقه، دمشق، دارالحصاد للنشر والتوزيع، ١٩٩٣م.
التحرير و التنوير، ابن عاشور محمد بن طاهر بن محمد بن طاهر التونسي، بيروت، الدار التونسية للنشر، ٢٠٠٤م.

تحليل انتقادي كفتمان، نورمن فركلاف، ترجمه فاطمه شايسته پيران و ديگران، تهران، مركز مطالعات و تحقيقات رسانه ها، ج ١، ١٣٧٩ش.

جواهر البلاغة، احمد هاشمي، تهران، نشر فيض، ١٣٧٨ش.

ساختار و تأويل متن، بابک احمدی، تهران، نشر مرکز، چاپ يازدهم، ١٣٨٨ش.

الصوت اللغوي في القرآن، حسين الصغير، بيروت، دارالمؤرخ العربي، ٢٠٠٠م.
علم الأصوات تعريب و الدراسة الدكتور عبدالصبور شاهين، برتيل مالمبريج، مكتبة الشباب، ١٩٨٤م.

غرر الحكم و درر الكلم، عبدالواحد تميمي آمدي، قم، دفتر تبليغات، ١٣٦٦ش.

كرانه ها، حسن عرفان، قم، مؤسسه انتشارات هجرت، ج ٣، ١٣٨٧ش.

كليات مفاتيح نوين، ناصر مكارم شيرازي، قم، مدرسه الإمام علي بن أبي طالب عليه السلام، ١٣٨٤ش.

گفتمان زنانه: روند تكوين گفتمان زنانه در آثار نویسندگان زن ایرانی، علی سراج، تهران، روشنگران و مطالعات زنان، ١٣٩٤ش.

لغة الخطاب السياسي دراسة لغوية تطبيقية في ضوء نظرية النصال، محمود عكاشه، مصر، دارالنشر للجامعات، ٢٠٠٥م.

لغة الشعر العربي الحديث، سعيد الورقي، بيروت، دارالنهضة العربية، ط ٣، ١٩٨٤م.

المثل السائر في الادب الكاتب و الشاعر، به تعليق: احمد الحوفي و بدوى طبانة، ضياء الدين ابن اثير، مصر، دارالنهضة مصر للطبع و النشر، بی تا.

المدخل الى علوم نهج البلاغة، محسن باقر الموسوي، بيروت، دارالعلوم، الطبعة الاولى، ٢٠٠٢م.

- مطالعاتی در تحلیل گفتمان از دستور متن تا گفتمان کاوی انتقادی، تئون ون دایک، ترجمه شعبان بهرام پور، محمد جواد غلامرضا کاشی، علیرضا خرمایی، تژا میرفخرایی، تهران، دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌ها، ۱۳۸۷ش.
- مقدمه‌ای بر نظریه‌های تحلیل گفتمان، دایان مک دانل، ترجمه: حسین علی نوذری، تهران، فرهنگ گفتمان، ۱۳۸۰ش.
- نظریه و روش در تحلیل گفتمان، ماریان یورگنسن، لوییز فیلیپس، مترجم: هادی جلیلی، تهران، نشرنی، چ ۲، ۱۳۸۹ش.
- وجه فعل در فارسی معاصر، خسرو فرشیدورد، تهران، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، ۱۳۸۲ش.
- وقعة الصفین، نصر بن مزاحم منقری، تحقیق: عبدالسلام محمد هارون، قاهره، المؤسسة العربیة الحدیثه، ۱۳۸۲ق.
- «أثر التکرار فی التماسک النصی نقاربه معجمیة تطبیقیة فی ضوء مقالات د. خالد منیف»، نوال بنت ابراهیم حلوه، مجله جامعه أم القرى لعلوم اللغات و آدابها، العدد الثامن، ص ۱۳-۸۲، ۲۰۱۲م.
- «بررسی گفتمان انتقادی در نهج البلاغه براساس نظریه نورمن فرکلانف (مطالعه موردی توصیف کوفیان)»، علی اکبر محسنی، نورالدین پروین، پژوهش نامه علوی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال ششم، شماره دوم، ۱۳۹۴ش.
- «تحلیل انتقادی خطبه زیاد بن ابیه، معروف به خطبة البتراء، با استفاده از الگوی فرکلانف»، احمد پاشازانوس، روح الله جعفری، پژوهشنامه نقد ادبی، دوره ۶، شماره ۱۱، ص ۴۱-۶۵، ۱۳۹۴ش.
- «تحلیل گفتمان انتقادی در نهج البلاغه براساس تئوری نورمن فرکلانف (مطالعه موردی خطبه‌های علی علیه السلام در جریان فتنه‌های خوارج)»، علی قهرمانی، فاضل بیدار، پژوهشنامه امامیه، تابستان ۱۳۹۸ش.
- «تحلیل گفتمان انتقادی و ادبیات»، فردوس آفاگل زاده، مجله ادب‌پژوهی، ۱۳۸۶ش.
- «تحلیل نامه‌ای از تاریخ بیهقی با رویکرد معنی‌شناختی کاربردی، نامه سران نگین آباد»، محمدرضا پهلوان‌نژاد، نصرت ناصری، زبان و ادبیات فارسی، سال ۱۶، شماره ۶۲، ص ۳۷-۵۸، ۱۳۸۷ش.

«جنسیت و شمول معنایی»، سعیده شجاع رضوی، فصلنامه پازند، سال سوم، ش ۱۰، ص ۱۱-۲۶، ۱۳۸۶ش.

«ساختار موسیقایی مناجات امام علی علیه السلام در مسجد کوفه»، علی خضری، آمنه فروزان کمالی، بوشهر، سال بیست و دوم، شماره دوم، ۱۳۹۷ش.

«فضای موسیقایی معلقة امرئ القیس»، مرتضی قائمی، علی باقر طاهر نیا و مجید صمدی، مجله انجمن ایرانی زبان و ادبیات عربی، ش ۱۲، ۱۳۸۸ش.

«گفتمان انتقادی، رویکرد نورمن فرکلاف»، امید ایرانخواه، امید قادرزاده، کمال خالق پناه، اولین کنگره علمی پژوهشی سراسری توسعه علوم تربیتی و ترویجی و ایران، ۱۳۹۴ش.

«نگاهی انتقادی بر نفثة المصدور از منظر تحلیل گفتمان نورمن فرکلاف»، پریسا نصیری، یحیی طالبیان، پژوهش های بین رشته ای ادبی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، بهار و تابستان ۱۴۰۱ش

